

## مفهوم عدالت کیفری از نظر فاضل

پیشگام مجتهد صالح و عدلی

### مقدمه

#### ۱- شناخت موضوع و تقسیم مطالب:

بدون تردید، مهمترین هدف همه قواعد حقوقی من جمله حقوق جزا اجرای عدالت است و عدالت از جمله مفاهیمی است که بشر از بدو حیات جمعی خود، آن را شناخته و در پی استقرار آنست. منتها در مورد مفهوم عدالت بحث و گفتگو بسیار است.

بنظر ارسطو عدالت دارای دو معنی عام و خاص است، عدالت در معنی عام آن شامل کلیه فضائل انسانی است و هر کس کار ناشایسته ای مرتکب شود، ستمگر است. از این رو سعادت از آن کسی است که با فضیلت باشد و از دستوره‌های عقل پیروی کند. اما فضیلت انسان دو آفت دارد یکی افراط و دیگری تفریط و باید از هر دو پرهیز کرد به نظر ارسطو میانه روی و اعتدال ملاک تشخیص فضائل از رذائل است، پس تهور و ترس هر دو مذموم و حد وسط آنها یعنی شجاعت، فضیلت است، هم چنانکه سخاوت حد وسط بخل و تبذیر، و مناعت و تواضع اعتدال میان تکبر و زبونی است.

عدالت به معنی خاص آن از نظر ارسطو، برابر داشتن اشخاص و اشیاء است، بدین معنی که هدف عدالت همیشه تامین برابری ریاضی نیست بلکه باید بین حقوق و تکالیف و سود و زیان، اشخاص تناسب و اعتدال رعایت شود به سخن دیگر، عدالت فضیلتی است که بموجب آن، باید به هر کسی آنچه را که حق اوست داده شود. سیسرون نیز این تعریف را اختیار، و عامل دیگری به آن افزوده و گفته است. عدالت یعنی، باید به هر کسی آنچه را که سزاوار است داد بشرط اینکه به منافع عمومی زیانی نرسد، بعدها هم این تعریف مورد توجه حقوق دانان قرار گرفته و هر دانشمندی بر حسب تخصص خود آنرا در آثارش استعمال و تکرار کرده است.<sup>۱</sup> در مورد مفهوم عدل از امام علی (ع) نقل شده است که فرموده است. «العدل یضع الامور مواضعها» دادگری عبارت از قراردادن امور در جای خود است. برخی دیگر از صاحب نظران مفهوم عدالت را بر مبنای احساس درونی و فطری اشخاص توجیه کرده اند در میان دانشمندان و عرفای اسلامی نیز بزرگانی مانند ابوسعید ابوالخیر و عطار و سنایی و مولانا جلال الدین رومی از این نظریه پیروی کرده اند چنانکه در این ابیات مولانا این معنی قابل درک است.

عدل چه بود وضع اندر موضعش ظلم چه بود، وضع در ناموضعش نیست

\* - دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز.

<sup>۱</sup> - کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، صفحه ۳۳۰ - انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۲ به نقل از رویه نظریه عمومی حقوق -

نیست باطل هر چه یزدان آفرید از غضب وز حلم وز نصیح و مکید  
خیر مطلق زینها هیچ چیز شر مطلق نیست زینها هیچ چیز  
نفع و ضرر، هر یکی از موضع است علم از این دو واجب است و نافع است.<sup>۲</sup>

برخی دیگر از صاحب‌نظران در تعریف عدالت گفته اند، مقصود از عدالت این است که نظم اجتماعی بر مبنای زور و قدرت قرار نگیرد بلکه بجای منافع قوی تری، منافع قابل احترام تر رجحان داده شود.<sup>۳</sup> به هرحال بحث و گفتگو درباره این تعریف ها از حوصله این مختصر خارج و مستلزم تحقیق جداگانه ای است. معهذا و دست کم برای تبیین عنوان مقاله، در تعریف عدالت می توان گفت: عدالت مفهومی اخلاقی و احساسی درونی است که تحت تاثیر شرایط اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و تعلیمات اجتماعی و مذهبی حاکم، بر زندگی اجتماعی در نزد افراد بوجود می آید و بر حسب آن مردم درباره هرگونه رفتار و حوادث اجتماعی، به داوری می پردازند. این احساس عدالت خواهی در نزد همه افراد کم و بیش وجود دارد، یک امر نسبی است که ملاک تشخیص عدل از ظلم شناخته می شود. از طرف دیگر نباید فراموش کرد که وجود این احساس عدالتخواهی در نزد اشخاص موجب آن می‌گردد که مردم و افکار عمومی هر نوع قاعده یا قانونی را که با عدالت منطبق بدانند به میل و رغبت اجراء کنند. بدین لحاظ اداره کنندگان جامعه نیز برای حفظ نظم و تامین امنیت و آسایش عمومی افراد، در وضع قوانین، ناگزیرند که تا حد امکان مصوبات و قواعد حقوقی موضوعه را با مفهوم عدالتی که در نزد مردم محترم است وفق داده و با اجرای آن موجبات پایداری حکومت خود را فراهم نمایند. به همین مناسب پیوند دادن قواعد حقوقی و عدالت برای پایداری دولت امری ضروری است و امروزه قانونگذاران اجرای عدالت را یکی از وظایف عمده و اصلی قوه قضاییه می شناسند و برای تحقق این منظور در اکثر قوانین اساسی کشورهای مختلف جهان قوه قضاییه، مسئولیت تحقق بخشیدن به عدالت را از طریق پاسداری و حمایت از حقوق فردی و اجتماعی عهده دار است.<sup>۴</sup>

بدین ترتیب اکنون که معلوم شد که تشخیص و اجرای عدالت، امروزه یکی از رسالت های مهم قوه قضاییه است. در ارتباط با تشخیص عدالت در امور کیفری که ناشی از ارتکاب جرم است، نخستین پرسشی که در مقابل ما مطرح می باشد این است، قوه قضاییه چگونه احکام عادلانه را بدست می آورد و چه مقام یا مقاماتی در اجرای عدالت کیفری موثرند؟

<sup>۲</sup> - مولانا جلال الدین رومی، مثنوی، دفتر ششم

<sup>۳</sup> - کاتوزیان دکتر ناصر، فلسفه حقوق، صفحه ۴۳۲، انتشارات دانشگاه تهران سال ۱۳۵۲

<sup>۴</sup> - به موجب اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضاییه، قوه ای است که مستقل که پیشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دارد وظایف زیر است: - رسیدگی و صدور حکم در مورد نظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات واخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می کند. - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع - نظارت بر حسن اجرای قوانین - کشف جرم و تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود مقررات مدنی جزایی اسلام - اقدام مناسب برای پیش گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

در برابر این پرسش بی تردید می توان گفت بررسی فعالیت ها و عمل کرد قوه قضائیه نشان می دهد که تشخیص و اجرای عدالت کیفری درباره مجرمین در هر نظام حقوقی، موکول به وجود سه عامل اصلی و اساسی، به ترتیب، قانون خوب، قاضی فاضل، و قادر به تشخیص عدالت، دستگاه اداری متشکل از افراد صدیق و صحیح العمل است. و این سه عامل چنان بهم پیوسته و مربوط هستند که وجود یکی بدون دیگری نمی تواند حسن انتظام و اجرای عدالت را در جامعه فراهم نماید. از بین عوامل سه گانه یاد شده آنچه که در این مقاله مورد بحث ما است، نقش قاضی در تشخیص و اجرای عدالت کیفری است که به ترتیب در فرازهای زیر مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

## ۲- ضابطه تشخیص عدالت کیفری از نظر قاضی

عدالت کیفری از نظر قاضی، عبارت از بررسی وضعیت و کیفیت عمل مجرمانه انجام یافته، و تطبیق آن با مواد قانون جزا، به منظور ایجاد تعادل و توازن بین حقوق فرد و اجتماع است. یا به عبارت دیگر، قاضی برای تشخیص عدالت کیفری، در هر مورد شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر وقوع جرم، و همین طور کیفیت و نحوه ارتکاب و قصد و نیت باطنی یا خطای مرتکب جرم را مورد مذاکره قرار داده و با کشف رابطه سببیت بین عمل مجرمانه و نتیجه حاصله، مقصود قانونگذار را در وضع قانون، به منصفه شهود در آورده و سپس با چشمانی باز، نسبت به تطبیق مورد با متن قانون، اقدام و با تعیین مجازات متناسب قانونی برای مرتکب جرم به دادگستری می پردازد.

اما باید دانست که تشخیص عدالت کیفری و اجرای صحیح آن به هدف حفظ حقوق فردی و اجتماعی کار چندان ساده و آسانی نیست. زیرا تجربه نشان داده است که تشخیص عدالت کیفری در موضع حقیقی آن در هر نظامی، تنها با وجود قانون میسر نخواهد شد بلکه بایستی قاضی با الهام از قواعد جزئی و فنی مربوط به دانش حقوق کیفری قادر به تفسیر متون حاکم بر جرائم و مجازاتها باشد. و در حقیقت قاضی در هر نظام حقوقی ضمن تحقیق و دادرسی راجع به مسائل کیفری، با گشودن پرده از کلام قانونگذار در نصوص قانونی حاکم بر جرائم و مجازاتها، اهداف و اندیشه کیفری مقنن را در وضع و برقراری آن متون کشف و عیان می کند، یعنی با تشخیص صحیح و کامل عناصر اختصاصی و تطبیق آن با متن قانون جزا زمینه اجرای عدالت کیفری را فراهم می نماید بدین منوال قاضی مأمور اجرای قانون جزا، دست مایه خود را از متون و قوانین جزایی بر می گزیند و سپس با تشخیص صحیح خصوصیات جرم انجام یافته آن را با عناصر قانونی جرم پیوند داده و با صدور حکم مقتضی، مقدمات احقاق حق و اجرای عدالت کیفری را در جامعه فراهم می نماید.

بنابراین، انجام تحقیق و دادرسی پیرامون جرم انجام یافته و صدور حکم مقتضی عادلانه درباره مرتکبین جرائم، نه تنها باعث تضمین و تقویت حقوق فردی و اجتماعی خواهد شد بلکه قضاوت عادلانه از ناحیه قاضی سبب می شود که کسی برای جرمی که دیگری مرتکب آن شده است، مجازات نگردد و همین طور چنانچه شخصی، در مقام دفاع از جان یا ناموس خود، تحت شرایطی با دفع حمله مهاجم یا معترض مرتکب قتل یا ضرب یا جرح او شده باشد عدالت اقتضاء می کند که قاضی با تشخیص صحیح قضیه و احراز شرایط دفاع مشروع، مرتکب قتل یا جرح یا ضرب را از مسئولیت کیفری مبری بشناسد و

در سایر موارد نیز چنانکه در رسیدگی های قضایی معلوم گردد که مرتکب جرم به عللی مانند اجبار یا اکراه یا صغر سن یا جنون قابلیت انتساب جرم را نداشته باشد او را غیر مسئول اعلام نمایند و همین طور در مواردیکه قانونگذار با اتخاذ سیاست کیفری خاص، بطور صریح در متن قانون، موجباتی را باعث معافیت از مجازات یا تخفیف مجازات می شناسد، قاضی باید با درک این قبیل معاذیر قانونی، نقش حساس خود را در تشخیص عدالت کیفری بخوبی ایفاء کند بدین ترتیب و بنابر آنچه که تاکنون گفته شد، اهمیت نقش قاضی در تشخیص عدالت کیفری غیر قابل انکار و برکسی پوشیده نیست. و برای درک بیشتر این نقش حساس قاضی در تشخیص حق از باطل، همین بس، که در اینجا اشاره کنیم این وظیفه خطیر در نظام توحیدی در آغاز به عهده پیامبران و فرستادگان بر حق الهی بوده است<sup>۵</sup> و بدین لحاظ مقام ومنصب قضاوت از مناصب خطیر و پر مسئولیتی بوده است بعلاوه بعدها هم که در صدر اسلام، امر قضا و دادرسی به افراد خاصی واگذار شده است برای احراز امر قضا و دادرسی، شرایط مهمی از قبیل ایمان، تقوی و غیره مقدم بر صلاحیت های علمی و تخصصی، برای انتخاب قاضی ضرورت پیدا کرده است. و در مجموع نقش بسیار حساس قاضی در تشخیص عدالت در نظام حقوقی اسلام از جمله مسائلی است که از طرف ائمه (ع) مورد تأکید قرار گرفته است. از امام علی (ع) نقل شده است که آن حضرت به شریح قاضی فرموده است، توای شریح در مقامی نشسته ای که یا جایگاه پیامبر و نماینده و جانشین پیامبر است و یا جای افراد ظالم و ستمکار است. و امام جعفر صادق (ع) نیز در این باره فرموده است قضاوت بر چهار دسته تقسیم می شوند، سه دسته در آتش و یکدسته در بهشت جای دارند اول آن قاضی که آگاهانه ستم و جور می کند چنین فردی جایش آتش است. دوم آن قاضی ناآگاهانه ظلم و جور می کند جایش آتش است. سوم آن قاضی که ناآگاهانه و بی آن که علم و اطلاع از ریشه ای مساله مورد قضاوت داشته باشد نا آگاهانه قضاوت می کند و او نیز جایش در آتش است. چهارم آن قاضی که عالمانه و آگاهانه قضاوت بر حق می کند، جای او در بهشت است.

به هر حال با توجه به اهمیت نقش قاضی در تشخیص عدالت که بر کسی پوشیده نیست اینک و با فرض وجود قاضی آگاه و متعهد و آشنا به دانش حقوق کیفری باید دید قاضی مامور اجرای قانون جزا در جمهوری اسلامی ایران، این نقش حساس خود را چگونه به مرحله اجراء در می آورد؟

پاسخ این پرسش را به لحاظ اهمیت فوق العاده آن بطور جداگانه و تحت عنوان رابطه عدالت کیفری و مبانی نظام جزایی جامعه مورد بحث قرار می دهیم.

### ۳- رابطه عدالت کیفری و مبانی نظام جزایی<sup>۶</sup>

علی رغم نقش حساس و پر اهمیت قاضی در تشخیص مسئولیت کیفری و تعیین مجازات برای مجرمین، که یگانه عاملی است که می تواند مفهوم اعتباری ضمانت اجراء سرپیچی و تخلف از قانون را

<sup>۵</sup> - یا داوود انا جملناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لاتبیع الهوی آیه ۲۶ سوره ص

<sup>۶</sup> - اصطلاح مبانی که در علم حقوق استعمال می شود به معنی منشا و اهدافی است که در زمان تدوین قانون راهنمای قانونگذار به منظور تأمین حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی و مصالح عمومی است. بنابراین آن نیروی الزام آوری که در زمان معین در جامعه خاص راهنمای قانونگذار در ایجاد قواعد و قوانین لازم الرعایه است مبانی حقوق نامیده می شود.

در جامعه عینیت بخشیده و موجبات استقرار نظم و آسایش عمومی مردم را فراهم نماید و در این معنا، قانون وسیله اجرای عدالت کیفری است مع هذا و بی گمان قضاوتی عادلانه است و می تواند جواز ورود به قلمرو نظام جزائی حاکم بر جامعه را پیدا کند که بازتاب اندیشه و هدف قانونگذار در وضع قانون جزا باشد و این نکته را باید در نظر داشت که قاضی مامور اجرای قانون جزاء بطور رسمی حق ندارد آنچه را که خود عدالت می پندارد اجراء کند بلکه باید در چهارچوبی که قانونگذار برای نظام کیفری جامعه فراهم کرده است به دادگستری بپردازد. یا به عبارت دیگر قاضی جزائی باید در قالب متون جزائی و با توجه به هدف قانونگذار به صدور حکم جزائی مبادرت نماید.

بنابراین و به حکم ضرورت در هر نظام جزائی قاضی بایستی چهارچوب محدود کننده را بشناسد و این توفیق جز با شناسایی مبانی نظام حقوقی حاکم بر جامعه بدست نمی آید بدین منوال قاضی مامور اجرای قانون جزا، با حفظ اصالت نظام جزائی و احترام به ارزشهای اخلاقی و اهداف مورد نظر قانونگذار، قواعد جزئی و فنی ناظر عناصر عمومی و اختصاصی هر جرم را معنی و تفسیر می نماید و با تشخیص صحیح و تعیین معنی درست و واقعی مواد قانون جزا و در یک کلام، آنچه را که امروزه در لسان حقوقی درک معنی روح قانون می نامند پدیده های جزائی را معنی و تفسیر می کند. بدین ترتیب مفهوم عدالت کیفری با توجه به اصول راهنمای قانونگذار بخوبی کشف و استنباط می گردد و زمینه تشخیص حق از باطل فراهم خواهد شد.

بدیهی است که انجام این وظیفه خطیر یعنی کشف رابطه موجود بین عدالت کیفری و مبانی نظام جزائی حاکم بر جامعه ما در وضع کنونی که حقوق جزای اسلامی، آمیزه ای از قواعد اسلامی و قوانین اقتباس شده از حقوق غیر اسلامی است، مستلزم آشنایی با مبانی فقهی و هم چنین اندیشه های کیفری حقوقدانان کشورهای اروپایی است و انگهی نظر به اطلاق و عموم اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قاضی مامور اجرای قانون در تفسیر و تعبیر مواد قانون جزا باید راهی را برگزیند که با موازین اسلامی مغایرتی نداشته باشد و انجام این وظیفه، در جایی که قانون ساکت است و یا حکم خاصی ندارد. و به تعبیر فقهی در (مالا نص فیه) به مراتب حساستر و مشکل تر خواهد شد. در نتیجه بررسی و تحلیل نظریه های صاحب نظران اسلامی به عنوان یک ضرورت که در شرایط کنونی برای قاضی یکی از منابع حقوق جزا محسوب خواهد شد و همین الزام که یکی از ممیزات بارز حقوق جزای ما را تشکیل می دهد ضرورت آشنایی قاضی با نظریات فقها و حقوق دانان کیفری را که سالیان درازی از عمر خود را صرف تبیین ساختمان و پایه های اجتماعی نظام کیفری کرده و نهادهای حقوقی را پرورده اند اثبات می کند.

#### ۴- نتیجه گیری

بنابر آنچه که تاکنون گفته شد این نتیجه بدست می آید که قاضی مامور اجرای قانون در جمهوری اسلامی ایران که در جستجوی تشخیص عدالت کیفری است با شناختن مبانی و اصول حقوق کیفری و برخورداری از اندیشه ها و نظریات صاحب نظران که در طول قرن ها تاکنون فراهم آمده است قواعد فنی و جزئی اصول و مبانی حقوق کیفری را کشف و استخراج کرده و با صدور حکم مقتضی زمینه اجرای

عدالت و پاسداری از حقوق فردی و اجتماعی را فراهم می کند. بدین منوال تفسیر و تعبیر قوانین جزایی با تکیه بر مبانی نظام جزایی جامعه، روزنه ای است که از خلال آن قاضی می تواند مقصود واقعی قانونگذار را برای صدور حکم عادلانه کشف نماید.

در نتیجه بررسی و آشنایی به مبانی و اصول راهنمای قانونگذار در تدوین قوانین جزایی، در کلیه نظامات حقوقی، برای قاضی مامور اجرای قانون جزا امروزه یک امر ضروری است زیرا تجربه نشان داده است که تنها در سایه رعایت و احترام گذاردن به اصول و مبانی نظام کیفری حاکم بر جامعه است که دادرسان دادگاههای کیفری می توانند و قادر خواهند بود که محدود حمایت از حقوق فردی و اجتماعی موردنظر قانونگذار را از متون و مواد قانون جزا به نحوی کشف و استنباط کرده و به صدور حکم عادلانه نائل گردند.

بدین لحاظ دادرسان دادگاههای کیفری در جمهوری اسلامی ایران برای تشخیص عدالت کیفری باید اصول و مبانی نظام کیفری اسلام را نصب العین قرار داده و در این راه خود را شاگرد خلف مکتب و نظام کیفری اسلام بدانند همان طوری که قاضی انگلیسی یا فرانسوی نیز برای تشخیص عدالت کیفری مبانی فکری و پایه های نظام حقوقی کشورهای خود را به ترتیب (حقوق کامن لاو) و حقوق رم را پایه و اساس تعبیر و تفسیر قوانین جزایی قرار می دهند.